

بررسی نهادهای موثر و ارزیابی حاکمیت شرکتی و جایگاه آن در نظام بانکداری اسلامی و ایران

دکتر منصور عطاشنه

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

بهنام اسدی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه

چکیده

در دهه‌های اخیر به دنبال سقوط اقتصادی و بحران‌های مالی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، مفهوم حاکمیت شرکتی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. حاکمیت شرکتی با تاکید بر پاسخ‌گویی به کلیه ذینفعان، عنصری کلیدی در کارایی و رشد اقتصادی و نیز تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل می‌باشد. حاکمیت شرکتی، قوانین، مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌گردد. توجه به این مفهوم در بانک‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بانک‌ها نقش اصلی تامین مالی بنگاه‌ها را در کشور بر عهده داشته و به عنوان مهمترین نهاد در جذب سپرده‌های مشتریان شناخته می‌شوند و لذا طیف وسیعی از ذینفعان را در بر می‌گیرد که لزوم حفظ حقوق ایشان اهمیت وجود حاکمیت شرکتی در بانک‌ها را نشان می‌دهد.

۱۷۱

فصلنامه مطالعات فینانسی-دوره اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۷

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی-نظام بانکداری-قوانین بانکداری-تامین مالی و اقتصادی





بخش اول: کلیات

در ابتدای این مقاله در مقام تعریف سابرسی بانکی باید گفت سابرسی بانکی به کلیه فعالیت‌های تخصصی حساب‌رسان بانک‌ها گفته می‌شود که در جهت شفاف‌سازی اطلاعات و گزارش‌های مالی بانک‌ها صورت می‌گیرد. عملیات سابرسی توسط ارکان داخلی و خارجی انجام شود، اما با وجود آن که بیش‌تر منظور از آن سابرسی خارجی به منزله نظارت مالی بر بانک است، به وسیله خود بانک و در راستای تصویب گزارش‌های مالی و تصمیم‌گیری بر آن اساس نیز صورت می‌گیرد. لذا عملیات سابرسی اگر به معنای استخدام حساب‌رسان توسط خود بانک هم باشد، در این معنا، می‌توان نقش تعیین‌کننده‌ای برای آن در بحران‌های مالی بانکی و اقتصادی قائل شد.^۱ سابرسی که علل پیدایش آن را می‌توان شرایط اقتصادی ناشی از جنگ و محدودیت شدید منابع مالی بانک‌ها دانست، امروزه جایگاهی مهم در سیستم کنترل بانک دارد که البته در شکل پیشرفته و مدرن خود، از نقطه‌نظر پیدایش به اوایل دهه ۱۹۴۰ میلادی برمی‌گردد. هر چند در طول بیش‌تر از ۶۰ سال گذشته، موفقیت‌های زیادی نصیب حرفه سابرسی مالی بانکی گردیده است، اما تحولات و تغییرات اواخر قرن بیستم باعث گردید تا در چشم‌انداز و مأموریت‌های این حرفه تجدیدنظر اساسی به عمل آید. در نهایت، امروزه سابرسی بانکی به عنوان یک دانش تخصصی مدیریتی شناخته می‌شود^۲ که بر جنبه‌های حقوقی نظارت بانکی تأثیر اساسی دارد.^۳ *انسانی و مطالعات فرسنگی*

پرتال جامع علوم انسانی

^۱. جهت مطالعه بیش‌تر، نک:

(<http://www.tilburguniversity.edu/research/institutes-and-research-groups/ebs/events/2012/financial-stability/theroles.pdf>)

(http://apira2010.econ.usyd.edu.au/conference_proceedings/APIRA-2010-090-Ekanayake-The-role-of-accounting-in-corporate-governance.pdf)

(<http://www.bis.org/review/r120822c.pdf>)

^۲. Mourt, Dinne Houaffer, 2009.

^۳. See Term of Audit at Wikipedia at: (<http://en.wikipedia.org/wiki/Audit>).

ایجاد رشد و تکامل حرفه حسابرسی بانکی به سبک کنونی، اساسا با تاریخچه انجمن حسابرسان بانکی^۱ که در ۱۹۴۱ در ایالات متحده آمریکا تشکیل شد. پیوند خورده است. با تلاش‌های این انجمن، موفقیت‌ها و شاخص‌های مفید زیادی حاصل گردیده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. نخستین انجمن حرفه‌ای است که در زمینه ارتقاء و توسعه حسابرسی در بانک به فعالیت می‌پردازد.

۲. دارای اقتدار و مرجعیت و به مثابه پیشاهنگ در امر آموزش، اطلاع رسانی در زمینه استانداردها، صدور گواهینامه، انجام تحقیقات و ارائه رهنمودهای حقوقی در زمینه استانداردها، صدور گواهینامه، انجام تحقیقات و ارائه رهنمودهای حقوقی در سراسر جهان و برای همه حسابرسان بانکی شناخته شده است.

۳. امروزه آن گونه که تخمین زده می‌شود، این انجمن در حرفه حسابرسی بانکی شامل ۷۶۴۰۰ نفر عضو شاغل رسمی از ۱۴۱ کشور جهان است که بخش اعظم آن‌ها تحت لوای دستورالعمل‌ها و رهنمودهای این انجمن قرار داشته و دارند.^۲

در واقع اگر بخواهیم از کمی قبل‌تر به پیشینه انجمن حسابرسان نگاه کنیم، انقلاب صنعتی قرن هجدهم که باعث شکل‌گیری بورس جدایی مدیریت از مالکیت گردید. شرایط را برای رفتارهای سودجویانه شخصی مدیران بانک‌ها و مؤسسات پولی و اعتباری فراهم ساخت. برای نخستین بار، قانون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۳۳، بانک‌های سهامی عام را ملزم ساخت تا یک حسابرس مستقل، منصفانه بودن گزارش‌های مالی آن‌ها را تأیید کند. هر چند پیش‌نویس اولیه این قانون، وظیفه مذکور را به دیوان محاسبات که ابزار نظارتی مجلس نمایندگان است واگذار کرده بود، اما انجمن حسابداران آمریکا^۳ توانست

1. www.aiba-us.org (Association of Information Bank Auditors)

2. Flasher and Mc.In.Touch, 2002, Journal of Social Science and Recognition, vol 121, p 42.

3. AIA



مجلس را وادار کند که امتیاز حسابرسی را به اعضای انجمن حسابداران رسمی بدهد. چندی بعد، سازمانی متشکل از حسابرسان مستقل تأسیس شد که برای تأمین کنندگان منابع، امکان به خدمت گرفتن حسابرسان مستقل تأسیس شد که برای مدیران ارشد بانکها را نیز فراهم می کرد.^۱ این انجمن که در ۹ دسامبر ۱۹۴۱ در نیویورک با ۲۴ عضو رسمی شروع به کار نمود، امروزه دارای نفوذ فزاینده و اعتبار فراوانی است و در سراسر جهان شناخته شده است.

بند اول: حسابداری و حسابرسی ساختگی

ردپای حسابداری و حسابرسی ساختگی^۲، تقریباً در هر سوی مالی در مؤسسات اعتباری یا ورشکستگی بانکی به چشم می خورد. در واقع، حسابداری و حسابرسی ساختگی با شفافیت، به عنوان یکی از مفاهیم اساسی حاکمیت شرکتی رابطه عکس دارد. سالهاست که اصول پذیرفته شده در خصوص مبارزه با حسابداری و حسابرسی ساختگی ایالات متحده آمریکا، مبنای کار سایر نظامهای بانکداری قرار گرفته است. صراحت و شفافیت صورت‌های مالی بانکهای ایالات متحده آمریکا، ناشی از وجود الزامات گزارشگری مناسب و به هنگام و الزامات افشاء اطلاعات مالی در اصول پذیرفته شده حسابداری بانکی است. در سال ۲۰۱۰ و همزمان با انتشار گزارشات کدبری، رئیس کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده آمریکا، از همتایان خود در سایر کشورها خواست تا با پیوستن به اصول پذیرفته شده ایالات متحده، در راستای ایجاد بورسی شفاف و منظم و کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری برای سهامداران و داوطلبان سرمایه‌گذاری در بانکها و شرکت‌های صرافی گام بردارند تا احتمال ارائه گزارش‌های مالی تقلبی کاهش یابد. با توجه به این که در فضای گزارش دهی مالی در ایالات متحده، اعطای پاداش‌های فزاینده به مدیران بانکها، اکثر طرح‌های پاداش نقدی، اختیار خرید سهام و واگذاری سهام به عنوان پاداش برای مدیران، بر پایه نتایج حسابداری بانکی استوارند، اهمیت شفاف بودن صورت‌های مالی و حسابداری کاملاً آشکار است تا در

Certified Public Accountant (CPA) (www. Aicpa.org) امروزه تغییر نام داده است به:

^۱. Ibid

^۲. Dummy Accounting

جهت افزایش پاداش‌های مذکور، از حساب‌سازی‌ها جلوگیری شود.^۱ در واقع، این موضوع صورت‌های مالی بانک را به کانون توجه راهبردهای مدیران در جهت حداکثرسازی ثروت آن‌ها بدل کرده است. بنابراین فرآیند گزارش‌دهی مالی و دور بودن آن از ساختگی بودن، علاوه بر ارائه گزارش‌هایی از عملکرد بانک برای استفاده سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، موقعیت مالی مدیران و اعضای هیأت مدیره را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.^۲ به رغم توسعه مداوم در اصول پذیرفته شده حسابداری و استانداردهای حسابرسی بانکی در طی سی سال پس از جنگ جهانی دوم، موج جدیدی از فسادهای تجاری بانک‌ها که همگی مبتنی بر حساب-سازی‌های متقلبانانه بوده‌اند روی داده است. در آن دوران، حسابداری و حسابرسی به دور از معیارهای ثابت و غیرقابل تخطی خود، نه تنها به عنوان سازوکارهای ناقصی محسوب شده بودند تا بتوانند جلوی این فسادها را بگیرند؛ بلکه خود به ابزاری در جهت فریب‌کاری بیشتر و مساعد نشان دادن اوضاع تبدیل شده بودند. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ حسابداری و حسابرسی بانکی به علت برآورده نکردن نیازهای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان با انتقاد گرفته شدند. یکی از بخش‌هایی که در آن، مؤسسات حسابرسی مورد انتقاد قرار گرفتند، کار و فعالیت دوگانه آن‌ها در زمینه حسابرسی و فعالیت‌های مشاوره مدیریتی بانک به طور توأم بود که این امر به نوبه خود باعث نگرانی‌هایی در زمینه صحت و کیفیت گزارش‌های مالی و حسابداری بانک گردید. طبعاً تعریف عمومی پذیرفته شده‌ای از حسابداری ساختگی وجود ندارد؛ یا این وجود واژه ساختگی در این عبارت به عنوان یک معنای منفی تلقی می‌گردد. نگرش ساختگی، به معنای حساب‌سازی متقلبانانه و خلاف واقع است که توسط مدیر غیراخلاقی جهت گمراه کردن و فریب سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان بانک و سایر استفاده‌کنندگان از

1. Do Banks Adopt Corporate Governance? An Empirical Research of Firms Attitude toward Dividend Payouts and Accounting Conservatism, Annual Researches of UCL University, 2009, pp 2-7 (http://asianfa2012.Mcu.edu.tw/fullpaper_tfa%5C10132.pdf).

2. See: Ahmed, Anwer S., 2002, The Role of Accounting Conservatism in Mitigating Bondholder-Shareholder Conflicts over Dividend Policy and in Reducing Debt Costs, Accounting Review 77, pp 867-890



صورت‌های مالی به جهت پنهان نمودن سؤاستفاده‌ها و سوءمدیریت‌ها به کار می‌رود. این حسابداری به شکل‌هایی چون «تقلب در دفاتر»، «حساب‌سازی در دفاتر»، «گزارشگری صورتی» و «حساب آرایی»^۲ ظاهر می‌شود. بنابراین حسابداری ساختگی را می‌توان فرآیند تعدیل حساب‌های بانک با فرض نبود استانداردهای خاص و با هدف ارائه مطلوب‌تری از وضعیت واقعی بانک به سهامداران، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان نامید.^۳ از موارد ابهام در روش‌های حسابداری، استفاده از پیشرفت فناوری و روش‌های تجاری، توجه مسئولیت پاسخگویی در مقابل تخصیص نادرست منابع و تأمین مالی خارج از ترازنامه می‌توان به عنوان انگیزه‌های مهم ایجاد حسابداری ساختگی در بانک نام برد. به طور کلی، قوانین و رویه‌های حسابداری، دارای ساختارهای مبهم و قابل انعطاف هستند. هدف از ارائه قوانین و استانداردها، باید کاهش شقوق قابل دسترس حاکم بر صورت‌های مالی بانک باشد و یک راه‌حل یکنواخت را ارائه دهد؛ اما متأسفانه طیف وسیعی از روش‌های مختلف حسابداری برای هر صورت وضعیت مبادلات مالی و اعتباری ارائه شده است. ابهام و قابلیت انعطاف قوانین و استانداردهای حسابداری بانکی با مفاهیمی چون «صحت و درستی و اهمیت» حادث شده است. این مفاهیم، بازه گسترده‌ای را برای قضاوت و ترفندهای گوناگون در عمل به وجود می‌آورند؛ زیرا سلیقه را وارد عمل می‌کند. در حسابرسی، اصطلاحاً به چنین فرآیندی نواحی خاکستری اطلاق می‌گردد. منظور از تحریف‌های ناشی از نواحی خاکستری^۴، اشاره به وضعیتی است که در آن، استانداردهای

¹. Fraud

². Embezzlement

³. See: Xinrong, Qiang, 2007, The Effects of Contracting Litigation, Regulation, and Tax Costs on Conditional and Unconditional Conservatism: Cross_Sectional Evidence at the Firm Level og Banks, Accounting Review 82, pp 759-796.

⁴. Gray Area

حسابداری، دارای رویه‌ای مناسب و بدون قابلیت انحراف نیست تا برای ایجاد امکان نظارت و ارزیابی یکسان و دقیق به کار رود.^۱

بخش دوم: حاکمیت شرکتی و مدیریت عمومی ریسک در بانک

یکی از مهم‌ترین محورهای استقرار حاکمیت شرکتی مناسب در هر بنگاه اقتصادی را می‌توان ایجاد و استقرار نظام‌های مدیریت ریسک^۲ دانست. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، در آخرین تعریف خود از حاکمیت شرکتی، به مدیریت ریسک نیز توجه کرده است. براساس این تعریف، حاکمیت شرکتی عبارتست از: «ساختار صحیح روابط و مسئولیت‌ها در میان گروه اصلی شامل سهامداران، اعضای هیأت مدیره و مدیران متخصص، جهت ترویج بهتر عملکرد رقابتی، در راستای دستیابی به اهداف شرکت؛ به نحوی که منافع گروه‌های مختلف ذی‌نفع تأمین گردد و به موجب آن، شرکت از طریق کاهش ریسک مخاطرات محیطی مختلف، به استفاده کارا و اثربخش از منابع تشویق شود».^۳

مدیریت ریسک در بانک، روش منطقی شناسایی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و انعکاس کلیه ریسک‌ها و مخاطراتی است که ممکن است دارایی‌ها، منابع و یا فرصت‌های افزایش سود بانک را تهدید کند. به عبارت دیگر، مجموعه تدابیر و فرآیندهایی است که از طریق آن بانک در مقابل انواع ریسک‌ها از خود واکنش نشان داده و باعث موفقیت و پایداری شرکتی آن می‌گردد. برای تحقق مدیریت اثربخش ریسک، باید پنج مرحله به نحو مطلوب به اجرا درآید: ۱. تشخیص منابع ریسک، ۲. اندازه‌گیری میزان ریسک، ۳. ارزیابی میزان تأثیر ریسک بر بانک،

¹. See: Berger, Allen N., and Gregory F. Udell, 1998, The Economics of small Business Finance: The Roles of Private Equity and Debt Markets in the Financial Growth Cycle, Journal of Banking & Finance 22, pp 613-673.

². Risk Management

³. برای مطالعه بیشتر، رک:

Methodology for Assessing the Implementation of the OECD Principles of Corporate Governance, Ibid, pp 8-29.

(<http://www.oecd.org/daf/ca/CorporateGovernancePrinciples/37776417.pdf>).



۴. ارزیابی توانایی بانک در استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک و ۵. انتخاب ابزارهای مناسب مدیریت ریسک. 'براساس مصوبات بورس اوراق بهادار نیویورک، مدیریت دیسک، یکی از مسئولیت‌ها و وظیفه‌های مهم مدیریت بانک است. مدیریت باید موقعیت و وضعیت بانک را نسبت به ریسک‌های مختلف ارزیابی و نظارت کند و کمیته حسابرسی باید سیاست‌هایی را مورد بررسی قرار دهد که بر فرآیندهای ارزیابی ریسک‌های عمده‌ای که بانک با آن‌ها مواجه می‌شود تأثیر می‌گذارد.

بند اول: ارتباط حاکمیت شرکتی و سطوح افشای اطلاعات

علاوه بر اصل لزوم شفافیت اطلاعات در بانک، توجه به سطحی^۲ از اطلاعات که افشای آن در جهت تضمین حاکمیت شرکتی لازم و ضروری است نیز حائز اهمیت است. سرمایه‌گذاران در حوزه بازار بانک‌های بورسی، بعضاً به جهت اطلاعات ناقص در خصوص فرصت‌های سرمایه‌گذاری، ممکن است مورد فریب واسطه‌های کارگزار قرار گیرند؛ لذا اغلب مشکل اطلاعاتی در بورس وجود دارد و این مشکل در خصوص بانک‌های حاضر در بورس نیز شدیدتر است. همان‌طور که پیش‌تر نیز مورد بحث قرار گرفت، هسته اصلی تئوری نمایندگی این است که مدیران بانک به عنوان نمایندگان سهامداران، ممکن است به گونه‌ای عمل نمایند یا تصمیم‌هایی بگیرند که الزاماً موجب به حداکثر رساندن ثروت سهامداران نگردد. براساس این نظریه، باید سازوکار کنترلی یا نظارتی کافی برای محافظت سهامداران از تضاد منافع ایجاد شود. در حاکمیت شرکتی بانکی، موضوع شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها همواره به عنوان یک راهکار عملی مورد توجه بوده است. اما مسأله‌ای که وجود دارد، این است که شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها یک عبارت کلی و بدون چارچوب تعریف شده می‌باشد که باید به طور مشخص تعریف و تبیین شود تا تعیین گردد که شفافیت بانکی در معنای دقیق کلمه

1. Adams R., Mehran H. 2003, Is Corporate Governance Different for Bank Holding Companies? In Economic Policy Review, Federal Reserve of New York Special Issue: Corporate Governance: What Do We Know and What is different About Banks.

2. Degree

چیست و جایگاه آن در صورت‌های مالی بانک کجاست. ضمناً باید به این پرسش اساسی نیز پاسخ گفت که سطح افشای اطلاعات بانک در یک سطح مطلوب و سازنده، شامل چه اطلاعات و چه سطحی از آن می‌شود. بر این اساس، پاسخ به این پرسش که شفافیت برای چه کسی و چه سطحی از آن می‌شود. بر این اساس، پاسخ به این پرسش که شفافیت برای چه کسی و برای چه منظوری ارزشمند است و نقش حسابداران و حسابرسان در شفافیت صورت-های مالی بانک چیست، ضروری است.^۱ در پژوهشی که توسط چونگ و لسی مویا^۲ انجام شده است، روابط موجود بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بانک و سطوح اطلاعاتی لازم‌الافشاء به صورت زیر مورد بررسی قرار گرفت:

۱. اندازه هیأت‌مدیره: آلتی میری^۳ استدلال نمود که هیأت‌های مدیره بزرگ بانک‌ها، شامل مدیرانی با مهارت‌ها و تجربیات گوناگون، می‌توانند کارایی انتقال اطلاعات را بهبود بخشند. این بدان معناست که بانک‌هایی که دارای اندازه هیأت‌های مدیره کوچک‌تر هستند، نسبت-های کوچک‌تری از اطلاعات را در صورت‌های مالی افشاء می‌کنند. بنابراین فرض می‌شود که بین اندازه هیأت‌مدیره و افشای اطلاعاتی حاکمیت شرکتی بانک، ارتباط مثبت وجود دارد.

۲. استقلال هیأت‌مدیره: تعدادی از مطالعات انجام شده ارتباط مستقیم و با اهمیتی را بین نسبت مدیران غیراجرایی بانک و سطوح افشای داوطلبانه اطلاعات گزارش کرده‌اند. معمولاً در هیأت‌مدیره‌ای که دارای نسبت بزرگی از مدیران غیراجرایی است، می‌توان تصویر مثبتی از استقلال و مسئولیت پاسخگویی را به سهامداران بانک پیش‌بینی نمود و در آن راستا، اطمینان به رعایت مصوبات حاکمیت شرکتی بانکی افزایش می‌یابد؛ بنابراین فرض می‌شود که بین استقلال هیأت‌مدیره و افشای حاکمیت شرکتی بانکی ارتباط مثبت وجود دارد.

1. Robert, M, Bushman and Others, Ibid, pp 69-71.

2. See: Seid I D, Sanderson P, Roberts J, 2012, Applying the "comply-or-explain" Principle: Discursive Legitimacy Tactics with Regard to Codes of Corporate Governance, Journal of Management and Governance, DOI 10 1007/s10997-011-9209-y

3. Ashley Mirit

4. Indepence of Board

۳. دوگانه^۱ بودن مسئولیت مدیرعامل:^۲ این موقعیت، زمانی رخ می‌دهد که مدیرعامل بانک به عنوان رئیس هیأت مدیره هم انتخاب شود. این امر ممکن است منجر به تضاد منافع و از دست رفتن استقلال گردد؛ بنابراین فرض می‌شود که بین دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل و افشای حاکمیت شرکتی بانکی ارتباط منفی وجود دارد.

۴. ترکیب کمیته حسابرسی: کمیته‌های حسابرسی بانک، یک سازوکار مؤثر در جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و غیرمدیران، محافظت از سرمایه‌گذاران، تقویت سامانه‌های کنترلی و نظارتی داخلی و حفظ کیفیت افشای اطلاعات حسابداری و مالی می‌باشد. هو و ونگ^۳ پی‌بندند که بانک‌های بزرگی که دارای کمیته حسابرسی هستند، اطلاعات بیشتری را به شکل داوطلبانه افشا می‌کند. بانک‌های بزرگ با کمیته‌های حسابرسی مستقل که از مدیران مستقلی تشکیل شده‌اند، از عملکرد بهتر و افشای اطلاعات گسترده‌تر و اثربخش‌تری برخوردارند. بنابراین، فرض می‌شود که بین تعداد مدیران غیراجرایی در کمیته حسابرسی بانک و افشای حاکمیت شرکتی بانکی رابطه مثبت وجود دارد.^۴

۵. تخصص‌های لازم اعضای هیأت مدیره: تخصص به سابقه تحصیلی و سوابق کاری مرتبط تعریف می‌شود. ترکیب هیأت مدیره از مدیران با تخصص‌های حسابداری و حسابرسی، حقوق «به ویژه گرایش‌های اقتصادی و تجاری» و علوم بانکی، نتایج عملکردی بهتری را نشان می‌دهد و ارائه گزارش کامل و تخصص مدیران امر از سوابق تحصیلی و اجرایی با ذکر جزئیات می‌تواند جلوی افراد ورود ناشایست به هیئت مدیره را بگیرد.

¹. Double take

². Chief of Board

³. HO & Wong, 2001, See: Romain Baeriswyl and others, Transparency and Monetary Policy Effectiveness, Author manuscript, published in Annales d'Economie et de Statistique. 103-104 (2011) pp. 165-184, Annals of Economics and statistics, No 103/104, July/December 2011, v2, and October 19, 2011.

(http://halshs.archives-ouvertes.fr/docs/00/65/10/28/PDF/Transparency_and_Monetary_Policy.pdf).

⁴. See: Miller W.R, January 1996, Bank Failures in Connecticut: a study and Comparison of Performance, American Business Review, Vol 102, pp 49-68.

۶. انتخاب اشخاص حقوقی و اعطای نمایندگی اشخاص حقوقی به اشخاص حقیقی دارای تخصص: توجه به مسئولیت تضامنی شخصی حقوقی با شخص حقیقی و تعیین حد و مرزی برای عزل و نصب‌های اشخاص حقیقی، ریسک فعالیت و ریسک مدیریت بانک متعادل می‌شود.

۷. ارائه تعهد کتبی به مراجع نظارتی ناظر بانک‌ها مبنی بر رعایت پاسخگویی و شفافیت و اختیار سلب صلاحیت و عزل در صورت عدم پاسخگویی و شفافیت: توجه به مسئولیت‌های کلان مدیریت بانک در نظام پولی و مالی کشور و صیانت از منافع ذی‌نفعان بانک ایجاد ضمانت اجرایی برای شفافیت و پاسخگویی مدیران بانک‌ها را طلب می‌کند که این ضمانت اجرایی با ارائه تعهدات کافی به مراجع نظارتی تقویت می‌گردد.

۸. لزوم پایبندی مدیران به تعهدات اخلاقی و رفتاری: مدیران باید تعهدنامه اخلاقی و منشور اهداف عالی بانک را امضاء کنند و به آن متعهد گردند و امضاء شدن این تعهدنامه اخلاقی و منشور عالی بانک در گزارش‌های سالیانه و گزارش‌های معرفی مدیران جدید منتشر گردد.

اگر چه یکی از اهداف اصلی تحولات مطرح شده در حاکمیت شرکتی بانک‌ها، افزایش شفافیت بوده و اختلاف‌نظری در زمینه مطلوب بودن آن وجود ندارد؛ اما در پژوهشی که به وسیله هرملین و ویس‌باچ^۱ انجام شد، این نتیجه حاصل شد که افزایش شفافیت، منافع و هزینه‌های نیز در بر دارد و افزایش شفافیت بانکی و رساندن آن به یک سطح معین، منجر به کاهش منافع می‌شود. حتی هنگامی که شفاف‌سازی اطلاعات بانکی هیچ‌گونه هزینه مستقیمی در بر نداشته باشد و یا منجر به ارائه اطلاعات به رقبا و مراجع قانونی نیز نگردد، این پیامد همچنان وجود دارد. اما از لحاظ منافع عمومی شفافیت اطلاعات پولی و مالی بانک‌ها، احراز چنین واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است و در صورتی که بانکی بخواهد جهت فرار از پیامدهای خصوصی نامطلوب افشاء اطلاعات خود از آن طفره برود باید به وسیله ضمانت‌های لازم با آن برخورد نمود.

بند دوم: ویژگی‌های کلی کنترل و نظارت در نظام بانکداری ایران

امروزه نظارت بانکی کارآمد در اکثر کشورهای پیشرفته، گرایش به سوی ایجاد محیطی آزاد و رقابت آمیز که با چارچوب نظارتی دقیق ترکیب شده باشد را مورد تأکید قرار می‌دهد تا احتمال وقوع جرایم بانکی را به حداقل ممکن کاهش دهد. در حال حاضر، حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران، بیش از هر چیز بر بعد نظارت تأکید دارد که در این فصل به ابعاد و ویژگی‌های آن می‌پردازیم. نظارت بر بانک‌های داخلی را می‌توان در قابل نظارت دستوری^۱ و احتیاطی^۲ طبقه‌بندی نمود^۳ که از حیص تضمین پیاده‌سازی و اجرای مقررات حاکمیت شرکتی، نظارت احتیاطی از آن جا که چارچوب‌ها را تعیین می‌کند و ضمن حفظ محیط رقابتی از تخطی بانک‌ها پیشگیری می‌کند، حائز توجه بیش‌تری است.

«نظارت احتیاطی» بر بانک‌ها به طرق ذیل اعمال می‌شود:

۱- روش نظارت مستقیم (بازرسی در محل)^۴

۲- روش نظارت غیر مستقیم (بازرسی خارج از محل)^۵

۳- سایر روش‌های نظارت^۶

1. Mandatory Supervision

2. Prudential Supervision

۳. نظارت دستوری ناظر بر نوعی از نظارت استصوابی است که شامل امر و نهی مستقیم و در عمل به معنای دخالت همه

جانبه در امور داخلی بانک به بهانه نظارت می‌باشد؛ در حالی که نظارت احتیاطی به نوعی از نظارت مفید و سازنده اشاره دارد که تنها در راستای تأیید سلامت نظام بانکی صورت می‌گیرد و فقط ابعاد حیاتی و ضروری نظارت را در بر می‌گیرد.

4. On-Site Inspection

5. Off-Site Monitoring

۶. در برخی از کشورها، انجام این روش‌ها در یک بخش از بانک مرکزی متمرکز است؛ لیکن در اکثر بانک‌های مرکزی،

مانند بانک‌های مرکزی مالزی و ژاپن این دو وظیفه در دو بخش متمایز از یکدیگر انجام می‌گیرد.

روش نظارت مستقیم^۱ معمولاً توسط تیم‌های ویژه بازرسی انجام می‌شود که از نزدیک، بانک را جهت ارزیابی اطلاعات رسیده از دفاتر، یا مصاحبه با کارکنان آن‌ها تحت بررسی قرار می‌دهند. تعداد بازرسین^۲ یا طول مدت بازرسی می‌تواند بر اساس اندازه بانک و طرح بازرسی متفاوت باشد؛ به عنوان مثال، در جایی که منابع بازرسی محدود باشد، بازرسین ممکن است مؤسسات یا فعالیت‌هایی را مورد بازرسی قرار دهند که بیشترین ریسک را برای شبکه بانکی و بانک تحت بازرسی به همراه دارد. اهداف نظارت مستقیم از نظام بانکداری کشوری به نظام کشور دیگر متفاوت است. در برخی از کشورها، نظارت مستقیم، صرفاً اجرای آن گروه از مقررات را در نظر می‌گیرد که در آن‌ها از امنیت و ثبات چشم‌پوشی شده است و یا در مراحل فرعی‌تری قرار گرفته است. هرچند عملیات نظارت حضوری بانکی تقریباً در همه کشورها وجود دارد، اما نمونه‌های بارز و عینی تر آن در اکثر کشورهای سوسیالیستی به چشم می‌خورد که در آن‌ها بانک‌ها در وهله اول به صورت کانالی جهت تخصیص اعتبار به طرح‌های کلیدی و بخش‌های تولیدی مطرح می‌باشد. در مجموع، در اکثر کشورها، شیوه اعمال نظارت مستقیم به صورت برنامه از پیش تعیین شده صورت می‌پذیرد و اعمال نظارت مستقیم به شکل تصادفی و انتخاب شعب به صورت موردی نیز رایج است. اغلب نظارت‌های مستقیم، در برگیرنده مراحل از قبیل ارزیابی مدیریت بانک به کمک دریافت اطلاعات مربوط به آن بررسی وضعیت مالی بانک در پرداخت دیون و ایفای تعهدات، بررسی کیفیت عملیات بانکی، بررسی عملکرد بانک در رویارویی با انواع ریسک‌ها و بررسی کیفیت دارایی‌ها می‌باشد. روش دیگری که بعضاً مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش نظارت غیر مستقیم است. تمامی سیستم‌های نظارتی متکی بر درجات متفاوتی از دریافت منظم داده‌های اطلاعاتی برای نظارت بر عملکرد مالی مؤسسات تحت بازرسی هستند.^۳ در این روش از نظارت، ناظرین بانک مرکزی، اطلاعات

1. Direct Supervision

2. Inspectors

1. نوع این اطلاعات، بسته به تعداد و مشخصات مؤسسات مذکور و بالأخص در ارتباط با فعالیت‌های تحت پوشش آن‌ها

متغیر است. استفاده از روش نظارت غیر مستقیم، محدوده وسیعی از عملیات نظارت بانکی را در بر می‌گیرد؛ اکثر کشورها



و آمار مذکور را تجربه و تحلیل و ارزیابی نموده و گزارشات لازم را برای تصمیم گیری‌های بانک مرکزی تهیه می‌نمایند. در اکثر کشور به دلیل مکانیزه بودن عملیات بانک‌ها و ارسال به موقع و مرتب آمارها توسط آن‌ها، تجزیه و تحلیل‌ها و بازتاب نتایج و در نهایت تصمیم گیری-ها به سرعت انجام می‌پذیرد از این رو کاربرد این روش از نظرات مرتباً رو به افزایش بوده و در همه کشورها روند صعودی دارد. اهداف اصلی روش نظرات غیر مستقیم، آشکارسازی اطلاعات مالی، محدود نمودن حوزه فعالیت‌های تجاری، کنترل و تغییر در عملیات، کنترل ریسک نقدینگی مورد نیاز، نظارت بر کیفیت دارایی‌ها^۱، نظارت بر کفایت سرمایه، هماهنگی و اشتراک می‌باشد. این نوع نظارت در بانکداری ایران نوپا و روبه رشد است و اکثراً بر روی نظارت مستقیم تأکید می‌شود که نمی‌توان به کارآمدی آن روش اطمینان داشت؛ چرا که خطر اشتباه، غفلت، سهل‌انگاری و تقلب و رشوه در این روش بالاست. علاوه بر شیوه‌های ذکر شده، روش‌های دیگری نیز وجود دارد که چندان فراگیر نیست؛ با این وجود، در بسیاری از موارد کاربرد داشته و نتایج مفیدی نیز به دست آمده است. ترغیب اخلاقی یا مشورت و راهنمایی مدیران بانک‌ها و تعیین الگوهای موردی از جمله این موارد می‌باشد که بسیاری از بانک‌های مرکزی از آن استفاده می‌کنند.^۲ قریب به اتفاق شیوه‌های نظارت بر بانک‌های ایرانی، بر عهده بانک مرکزی قرار گرفته است؛ این در حالی است که نهادهای زیادی چون وزارت اطلاعات، وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت بازرگانی، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری نیز در بسیاری از موارد خود را محق و مداخله در امور بانک‌ها می‌دانند؛ امری که تشویش نظارت بر نظام بانکداری را دامن می‌زند. در مجموع می‌توان گفت هر روش نظارتی باید در مقتضای خود به کار رود ولی در ایران گسترش دادن نظارت از تمامی جهات و

از سیستم مورد بحث، براساس ارائه گزارشات دوره‌های زمانی هفتگی، ماهانه و فصلی و گزارش‌های سالانه مانند ترازنامه و صورت‌حساب سود و زیان استفاده می‌کنند.

^۱. Asset Quality

^۲. Sheng 2009

^۳. ر.ک: ارجمند نژاد، عبدالمهدی، اصول ۲۵ گانه نظارت بانکی، بانک مرکزی ایران، صص ۶۸-۷۹.

به ویژه از نوع غیر مستقیم و تعریف نهادهای ناظر و حدود وظایف آنان ضروری است؛ چرا که همواره استفاده ترکیبی از تمامی روش‌های نظارت بر سیستم بانکی مورد تأکید کارشناسان حاکمیت شرکتی بانکی قرار گرفته است.^۱

بند سوم: ساختارهای مالکیت در نظام بانکی کشور

آن گونه که پیش از این نیز ذکر شد، ترکیب سهامداری یا ساختار مالکیت^۲ بانک، از موضوعات مهم حاکمیت شرکتی بانکی به شمار می‌رود که انگیزه مدیران بانک را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و بدین ترتیب می‌تواند در کارایی بانک تأثیر قابل توجهی داشته باشد. در گذشته، اقتصاددانان فرض می‌کردند که تمامی گروه‌های مربوط به یک شرکت سهامی عام برای یک هدف مشترک فعالیت می‌کنند؛ اما در طول سه دهه گذشته، موارد بسیاری از تضاد منافع بین گروه‌ها و چگونگی مواجهه بانک‌ها با این گونه تضادها، به وسیله اقتصاددانان مطرح شده است. این موارد، تحت عنوان تئوری نمایندگی بیان می‌شود.^۳ یکی از موضوعات مطرح در خصوص ترکیب مالکیت، تئوری نمایندگی در بانک‌هاست.^۴ امروزه رابطه مستقیم ساختار

^۱ همچنین در خصوص نظارت بانکی در ایران، ر.ک: امین آزاد، امیرحسین، دستاوردها و چالش‌های نظارت در نظام

بانکی ایران، تازه‌های اقتصاد، ش ۱۳۳، سال نهم، صص ۹۵-۱۰۲.

(<http://t-e.mbri.ac.ir/userfiles/file/133/14-arzyabi%20dastavardha%20va%20chaleshaie%20nezarat.pdf>)

^۲ Structure of Ownership

^۳ هزینه‌های نمایندگی در بانک را می‌توان به سه گروه اصلی زیر تقسیم کرد: ۱- هزینه‌ها و مخارج مربوط به نظارت،

مانند هزینه‌های حسابرسی؛ ۲- هزینه‌های مربوط به ساختار سازمانی و فرآیند ایجاد محدودیت برای مدیران، از جمله انتصاب افرادی خارج از بانک در ترکیب هیأت مدیره؛ ۳- هزینه‌های فرصتی که می‌تواند در اثر محدود کردن اختیارات مدیران برای بانک به وجود آید.

^۴ همان طور که پیش تر مورد بحث قرار گرفت، این نظریه در اصل، به مبحث تضاد منافع میان مالکان و مدیران بانک می‌پردازد، تضاد و تعارضی که از دوگانگی و اختلاف بین اهداف مدیران و اهداف سهامداران نشأت می‌گیرد. در حالی که هدف اصلی سهامداران، به حداکثر رساندن ثروت خود از طریق حداکثر شدن ارزش اسمی بانک است، معمولاً دنبال

مالکیتی بانک با ارزش و عملکرد آن به اثبات رسیده است؛ اما مقایسه نتایج تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که نمی‌توان به نتایج یکسان و قابل تعمیمی در خصوص رابطه موجود بین ترکیب مالکیت و بازده به ارزش اسمی و کارکردی بانک دست یافت؛ چرا که این تأثیر، عمدتاً به شرایط خاص اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها مربوط می‌شود و هر کشوری شرایط خاص خود را دارد. به عبارت دیگر، این ویژگی‌ها و شرایط، منحصر به فرد هر کشور است که می‌تواند تعیین کننده آثار مثبت یا منفی ساختار مالکیت و کنترل بر بازده و ارزش بانک‌ها باشد. متغیرهای گوناگونی در داخل و خارج از بانک بر تعیین ترکیب مالکیت مناسب تأثیر گذار هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی مانند نظام حاکمیت سیاسی کشور، نظام‌های اقتصادی و ساختار غالب تأمین مالی در کشور، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، سطح تحصیلات و تجربه سهامداران اشاره نمود. بازار سهام در ایران که در دهه اخیر رونق خود را باز یافته و به تدریج جایگاه خود را از مبلغ ۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۵ به حدود ۵۰ میلیارد دلار در سال ۸۳ و ۱۰۳ میلیارد در سال ۱۳۸۸ رسانده است،^۱ نیازمند رکن نظارتی خاص و قدرتمندی است که به تنظیم و سیاست‌گذاری ساختارهای مالکیتی نظام بانکی پردازد که امروزه فاقد آن است. بانک‌های خصوصی ایرانی که با مثابه شرکت‌های سهامی عام تأسیس شده‌اند و همچنین بانک‌های دولتی که فرآیند خصوصی شدن را طی کرده‌اند و سهام آن‌ها عرضه شده و قابلیت نقل و انتقال را دارد، از جمله مصادیق این بخش مهم از بورس هستند که اهمیت برقراری حاکمیت شرکتی در آن‌ها در جهت حفظ حقوق سهامداران جزء بسیار حیاتی است. در اقتصادهای آزاد و بازارهای سرمایه بین‌المللی ممکن

کردن چنین هدفی از سوی مدیران مورد غفلت واقع می‌شود و در نتیجه سهامداران بانک نسبت به استفاده بهینه از سرمایه و ثروت خود توسط مدیران دچار تردید می‌شوند.

^۱ با ادامه دادن رشد شاخص‌ها، ارزش کل بازار سهام ایران شامل بورس اوراق بهادار و فرابورس به ۲۵۰ میلیارد دلار در

سال ۱۳۹۲ رسید. ر.ک: سنگینیان، علی تاریخچه بورس اوراق بهادار تهران و سیر تحولات آن روزنامه دنیای اقتصاد

۱۳۸۷/۱۱/۰۶ بازبینی شده در ۱۷ بهمن ۱۳۸۷ و همچنین سیر تاریخی بورس اوراق بهادار فارسی مقاله FIQIR مرکز توسعه

نیوگ مالی بازبینی شده در ۱۰ بهمن ۱۳۸۹ و شهریور ۱۳۹۰.

است. بخشی از مالکیت بانک‌ها در اختیار سرمایه‌گذاران بیرونی^۱ قرار داشته باشد. این پدیده حتی در چارچوب اقتصادی، از ابعاد مختلفی قابل تحلیل است که در پژوهش‌های مرتبط با حاکمیت شرکتی، بیش‌تر اثرات وجود سهامداران بیرونی در ترکیب سهامداری بر بازده و ارزش شرکت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. واقعیت این است که به موازات گسترش جهانی سازی در بازارهای مالی، نقش سرمایه‌گذاران بیرونی در بانکداری بیش‌تر و پررنگ‌تر می‌شود.^۲ به تصور برخی از صاحب نظران، به دلایل مختلف از جمله دلایل زیر، حضور سهامداران بیرونی در ترکیب مالکیت بانک می‌تواند بهبود عملکرد و افزایش بازده و ارزش بانک را به دنبال داشته باشد:

- اعمال نظارت بیش‌تر بر مدیران؛
 - افزایش تخصص و تجربه مدیریتی بانک؛
 - ورود سرمایه‌های جدید و افزایش انعطاف و توان مالی بانک؛
 - تسهیل و تسریع پیوستن شرکت به بازارهای سرمایه جهانی و کاهش نرخ هزینه سرمایه^۳
- پژوهش آیدین، ساییم و یالاما^۴ که آیا بانک‌هایی که دارای مالکیت بیرونی هستند، به شکل معناداری بهتر از بانک‌هایی که دارای مالکیت داخلی هستند عمل می‌کنند یا خیر به نتایج تأییدکننده‌ای دست یافته است که در مورد ایران نیز محلی از توجه دارد. در این پژوهش، از

^۱. در صورتی که مقررات سهامداری بانک‌های سهامی عام، امکان تملک سهام را محدود به سهامداران مؤسس و اصلی خود نمایند، به آن‌ها سهامدار درونی یا داخلی بانک گفته می‌شود؛ اما زمانی که سهامداران از بیرون بانک به مالکیت سهام دست پیدا کنند، مانند زمانی که مقررات تجارت و بانک اجازه انتقال سهام را می‌دهد و یا در افزایش سرمایه بانک پذیرش همگانی را می‌پذیرد، سهامدار جدید، به اصطلاح بیرونی و یا خارجی است.

^۲. ر.ک: کردبچه، حمید، پردل، لیلا، اثر ساختار مالکیت بر رفتار احتیاطی بانک‌ها، بانک مرکزی، بیست و یکمین همایش بانکداری اسلامی نوین، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

^۳. Campbell and Johanson, Ibid, 2002.

^۴. Aidin, Sayimne and yalama



آزمون تی^۱ و متغیرهای حاشیه سود عملیاتی بانکها، بازده داراییها، بازده حقوق صاحبان سهام و اطلاعات تمام بانکهای حاضر در بازار بورس چند کشور آسیایی مورد مطالعه از جمله ترکیه برای سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بانکهای دارای مالکیت بیرونی، از نظر بازده داراییها، بهتر از بانکهایی که دارای مالکیت داخلی هستند عمل می‌کنند. شواهد این پژوهش، از این فرضیه که مشارکت مالکیت بیرونی عملکرد بانک را بهبود می‌بخشد، حمایت می‌کند.^۲

متأسفانه در نظام بانکی ایران قوانین و مقررات موجود، اجازه ورود سرمایه‌گذاران بیرونی خارجی به عنوان سهامدار اصیل یا مؤسس را نمی‌دهد؛ بنابراین ساختار مالکیت خارجی در بانکهای کشور به نوعی منتفی است؛ و تأثیرات پیش گفته در آن انتظار نمی‌رود. با حذف امکان سرمایه‌گذاری خارجی در بانکداری کشور، هر چند بحران نمایندگی کم رنگ‌تر می‌شود ولی باید این فرصت جبران‌ناپذیر را برای اقتصاد بانکی کشور از دست رفته دانست.^۳

بند چهارم: بومی سازی مقرره‌های جهانی حاکمیت شرکتی

به طور اساسی، بانکداری اسلامی که از مهم‌ترین اهداف آن، حفظ و رعایت اصول شریعت اسلامی در عرصه اقتصادی است، با چالش‌های توسعه بین‌المللی مواجه است؛ این درحالی است که مباحث مطرح شده در زمینه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری، عمدتاً مربوط به

^۱. T analysis Exam

^۲. همچنین ر.ک: شیروانی، علیرضا، دو دهه بانکداری اسلامی و چالش‌های ساختاری آن، روزنامه تفاهم، ۸۴/۱۲/۱۱

(<http://www.tafahomnews.com/Sections-req-viewarticle-artid-80-page-1.html>)

^۳. سهامداران بیرونی را می‌توان به سهامداران بیرونی داخلی و سهامداران بیرونی خارجی تقسیم کرد. منظور از سهامداران بیرونی داخلی، سهامدارانی ایرانی هستند که از بیرون از بندهسهای بانک قصد خرید سهام بانک را دارند که قوانین ایران تملک بیش از پنج درصد از کل سهام یک بانک توسط یکی از این اشخاص را اجازه نمی‌دهد. در مقابل، منظور از سهامداران بیرونی خارجی، سهامداران خارجی و اتباع بیگانه‌ای هستند که قصد خرید سهام و سرمایه‌گذاری در بانکهای ایرانی را دارند که در این خصوص نیز قوانین ایران هر میزان از چنین تملکی را ممنوع کرده است که از آن به عنوان یکی از محدودیت‌ها و فرصت‌سوزی‌های بزرگ نظام بانکی کشور نام برده می‌شود.

نظام بانکداری متعارف است. با وجود رشد سریع بانک‌های اسلامی از اواسط دهه ۱۹۷۰ و افزایش حضور آن‌ها در بازارهای مالی جهانی، مباحث اندکی در زمینه تقویت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی مطرح شده است؛ اما تحلیل‌گران بانکداری اسلامی، درصدد تطبیق حاکمیت شرکتی رایج در بانکداری مرسوم با الگوی شریعت اسلامی برآمده‌اند. امری که در نظام بانکی ایران نیز به آن نیاز جدی احساس می‌شود. همچنین کارکنان بانک‌ها از دیگر ذی‌نفعان نظام بانکداری هستند که در بومی‌سازی مقرره‌های حاکمیت شرکتی در ایران توجه به آن‌ها اساسی است و مشارکت آن‌ها جهت حمایت و کارایی بانک و مزایای پرداختی به آن‌ها، توسط ساختار انگیزشی بانک تعیین می‌شود؛ به این معنا که باید با بهبود عملکرد بانک، حق‌الزحمه آن‌ها نیز افزایش و اثر انگیزشی تقویت شود. از سوی دیگر نظام پولی و مالی، خود یک ذی‌نفع است که باید در این فرآیند به ویژگی‌های آن توجه نمود؛ زیرا ناتوانی بانک‌های مهم و اصلی، می‌تواند باعث بروز بحران و آسیب در کل بدنه اقتصاد شود. دولت نیز در فرآیند بومی‌سازی یک ذی‌نفع است؛ زیرا عملکرد مؤثر بانک‌ها می‌تواند منافع زیادی را برای دولت به همراه داشته باشد. اقتصاد جامعه نیز یک ذی‌نفع مهم است که باید در اقتباس مقرره‌های حاکمیت شرکتی به ویژگی‌های خاص آن توجه کرد. توجه به پتانسیل‌های اقتصاد از این رو مهم است که عملکرد غیر مؤثر نظام پولی و مالی بانکی، می‌تواند اثر معکوسی بر تمام بخش‌های اقتصاد و جامعه از طریق بی‌ثباتی و کاهش نرخ رشد اقتصادی بگذارد. بر این اساس، ایجاد استانداردها و محدودیت‌های حاکمیت شرکتی بانکی، جهت هدایت و کنترل بانک‌های ایرانی، به شیوه‌ای که بتواند حافظ اقتصاد کشور و منافع تمام ذی‌نفعان شود، باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود و موضوع هزینه‌های بانک، نیز که خود یک مبحث بسیار مهم در حاکمیت شرکتی بانکی است، ناظر بر این مطلب است که اگر هزینه‌های بانک افزایش یابد، دیگر نمی‌توان از منافع ذی‌نفعان آن به طور منصفانه حفاظت کرد. در نتیجه، اگر ذی‌نفعان از عملکرد بانک رضایت نداشته باشند، اعتماد ذی‌نفعان به این سیستم از بین می‌رود و در نهایت، رشد نامطلوبی را در بخش مالی و کل اقتصاد شاهد خواهیم بود. در صورت عدم بومی‌سازی شایسته مقرره‌های حاکمیت شرکتی بانکی، تشدید تعارض بین منافع گروه‌های مختلف، منجر



به بروز مشکلات بسیاری می‌شود. در بانک‌های سهامی متعارف، تعارض منافع معمولاً بین سهامداران و مدیریت ایجاد می‌شود؛ اما در بانکداری اسلامی، علاوه بر آن، بعد دیگر، بروز تعارض در منافع سپرده‌گذاران با سهامداران و مالکان است؛ اگرچه میزان مواجهه اغلب بانک‌های اسلامی با عوامل ریسک^۱ نسبتاً زیادتر از بانکداری متعارف است، باید گفت که این دسته از بانک‌ها تاکنون توانسته‌اند این ریسک‌ها را به نحو رضایت بخشی مدیریت نمایند. مع ذلك دلیلی وجود ندارد که این فرآیند، الزاماً در آینده نیز ادامه پیدا کند و لذا می‌توان گفت توسعه حاکمیت شرکتی بومی مطابق با اصول بانکداری اسلامی و ایرانی براساس مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی، بسیار ضروری است.^۲

بخش سوم: پایبندی به اصول مبارزه با جرایم و فساد مالی در حوزه بانکی

می‌توان ادعا کرد بزرگترین و مهم‌ترین فسادهای مالی در نظام‌های بانکی رخ می‌دهد؛ چرا که بانک‌ها خود به خود محل انباشت اعتبارات و سرمایه‌های خالص هستند و پیچیدگی حسابرسی آن‌ها طمع سودجویان برای انواع فسادهای مالی را بیش‌تر از هر نهادی برمی‌انگیزد فساد مالی در بانک‌ها، پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و دارای علل و آثار چندگانه است که در اوضاع مختلف، نقش و نمود‌های متفاوتی می‌یابد. فساد مالی، گاهی به صورت معضل ساختاری سیاست یا اقتصاد و گاهی به صورت مسأله‌ای فرهنگی و اخلاقی تلقی می‌شود و می‌تواند مشروعیت دولت را به خطر بیندازد.^۳ در واقع، مقوله مبارزه با جرایم و فساد مالی در اقتصاد پول و بانکداری را می‌توان به طور توأم هم از آثار ارتقای حاکمیت شرکتی بانکی دانست و هم از ابزار آن. می‌توان گفت تمامی مصائب بوجود آمده در نظام بانکی ایران از سال‌های پس از انقلاب اسلامی تا پرونده فساد عظیم بانکی سال ۱۳۹۰ مشهور به اختلاس سه هزار میلیارد

^۱. Risk Factors

^۲. ر.ک: عقیلی کرمانی، پرویز، ۱۳۸۱، مدیریت ریسک در بانکداری سنتی، در مقایسه با بانکداری بدون ربا، تهران،

فصلنامه اقتصاد اسلامی، از مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری.

^۳. رسولی، رضا، نقش بانک در مبارزه با فساد، تحول اداری، ۱۳۸۴، ش ۵۰، صص ۷۴-۶۲.

تومانی، ناشی از فقدان یک سیستم حاکمیت شرکتی مؤثر در بانک‌ها بوده است. امروزه بانک‌ها در ایران با وجود نیروی انسانی فعال، شعبات الکترونیکی، درگاه‌های اینترنتی و راه اندازی مجاری گوناگون مجازی، سر منشأ بسیاری از خدمات بوده و مجموعه‌ای از آسایش، رفاه، رشد و توسعه اقتصادی را به ارمغان آوردند و بدین ترتیب موجبات رضایت میلیون‌ها نفر از مشتریان خود را فراهم ساخته‌اند. با این وجود، نظام بانکداری ما، به دلایل مختلف از تهدیدهای متفاوت رنج می‌برد و بستر فساد مالی و جرایم و تخلفات متنوعی است.

اساساً در سال‌های اخیر، فساد اقتصادی و بانکی به یکی از مشکلات مهم کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است؛ عده‌ای بر این عقیده‌اند که با توجه به نظام سیاسی و اقتصادی این کشورها، اصولاً راه‌حلی اساسی و بدون بازگشت برای حل این مشکل وجود ندارد؛ عده‌ای نیز بر آنند که مجازات و تنبیه عاملین فساد، تنها راه حل مشکلات مقابله با فساد اقتصادی است. واقعیت این است که مشکل فساد اقتصادی در بانک‌ها حل نخواهد شد، مگر آن که عوامل و ریشه‌های بروز این پدیده کشف و ابزارهای ریشه‌کنی این عوامل برای مقابله با فساد مهیا گردد تا پیشگیری که مهم‌ترین عامل در این راستا است، محقق گردد. هدف اصلی اصلاحات اقتصاد بانکی، ایجاد بازارهای رقابتی و برطرف کردن عوامل اغتشاش در قیمت‌ها است تا از این طریق فضای مه‌آلود و تیره اقتصادی جای خود را به شفافیت دهد و کارایی اقتصادی جای رفتارهای نامعقول، فرصت طلب و غیر موجه در نظام بانکداری را بگیرد. مهم‌ترین و رایج‌ترین جرایم و تخلفات مالی بزرگی که بستر بانکداری ایران مبتلا به آنهاست را می‌توان اختلاس، رانت خواری، ارتشاء، پول‌شویی، تخلفات در زمینه وام و حساب‌سازی نام برد. اختلاس^۱ بانکی،

^۱ اختلاس در لغت به معنی برداشتن شیء یا مال یا وجوه دولتی است؛ اما در اصطلاح فقهی، اختلاس به معنی ربودن مال منقول دیگری از غیر حرز و از راه حیله و توسل به زور است. از نظر حقوق جزا نیز اختلاس عبارت از تصاحب و بردن وجه یا مال متعلق به دولت و بیت‌امال یا اشیای سپرده شده به یکی از کارکنان دولت یا مأموران خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی و سایر نهادهای انقلابی است. بنابراین اختلاس یکی از تعديات کارمندان دولت و مأموران به خدمت عمومی است که به دلیل انجام وظیفه نسبت به اموال و وجوه عمومی و بیت‌المال یا متعلق به اشخاصی که به آنها سپرده شده است، مرتکب می‌شوند. به عبارت دیگر، اختلاس نوع خاصی از خیانت در امانت است که مأموران دولتی از طریق



اصولاً به کسب غیر قانونی وجوه از نظام بانکی توسط و با دخالت کارمندان و کارکنان بانک گفته می‌شود که متأسفانه در نظام بانکی ایران نظائر و مصادیق کمی ندارد. پیشگیری از اختلاس بانکی توسط برقراری نظام‌های حاکمیت شرکتی مناسب، از این از اهمیت والایی برخوردار است که وقوع این جرم، لزوماً متضمن خیل متواتری از جرایم و تخلفات دیگری از جمله حساب‌سازی و حسابداری سوری و متقلبانه، حسابرسی و نظارت بیرونی مغرضانه و تبانی میان مدیران و کارمندان است که زمینه را برای ارتکاب به آن فراهم می‌نماید. حاکمیت مؤثر نظام‌های حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی کشور می‌تواند به راحتی دامنه این جرم را محدود نماید و به جای مجازات‌های سنگینی چون اعدام برای عاملان آن که در سال‌های اخیر نیز شاهد آن بوده‌ایم، کارایی جنبه‌های پیشگیری از وقوع آن را به ارمغان بیاورد.

نتیجه گیری

آن گونه که تمامی تحقیقات به روشنی تأیید کرده‌اند، امروزه بانک، نوعی خاص از نهاد و سازمان مالی و اقتصادی بسیار حساس و مهم تلقی می‌شود که عدم وجود نظامات نظارتی مؤثر می‌تواند بستر سوء استفاده و تخلفات گسترده‌ای را فراهم آورد که عواقب اجتماعی و

تصاحب وجوه و اموالی که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است، مرتکب می‌شوند. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد در ماده ۱۷ هرگونه برداشت، استفاده و تصرف غیر مجاز از مال یا وجوه دولتی یا شخصی یا اوراق بهادار و هرچیز دیگر با ارزش توسط مقام دولتی جهت منافع خود یا هر شخص یا هر نهاد دیگری را که بنا به موقعیت شغلی به وی واگذار شده است چنان چه با عمد صورت گرفته باشد تحت عنوان اختلاس **Embezzlement** یا **Misappropriation** و یا **Diversion** جرم دانسته است. در خصوص عناصر مادی این جرم باید توجه داشت که قلمرو وسیعی را در بر می‌گیرد یعنی برداشت یا استفاده غیر مجاز هر چیز با ارزش سپرده شده بنابه موقعیت شغلی اعم از مادی، غیر مادی، منقول و غیر منقول، ملموس و غیر ملموس و اسناد و اوراق بهادار مبین حق یا منفعت نسبت به آن چیز و دارایی متعلق به مؤسسات و نهادها و واحدهای عمومی یا خصوصی. پس مثلاً برداشت کارمندان و کارکنان دولت و همه نهادهای ارائه دهنده خدمات عمومی در قوای سه گانه نهادهای نظامی - انتظامی، انقلابی و غیره را در بر می‌گیرد؛ اما صرف نظر از کاربرد اصطلاحی آن، به فعالیت‌های بخش خصوصی مانند مؤسسات بیمه، کشتیرانی، بانکی، اعتباری، حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی ناظر نمی‌باشد.

اقتصادی وسیعی در سطح اجتماع به بار آورد و نه تنها کل نظام اقتصادی و بانکی یک کشور بلکه کل جهان را تحت تأثیر خود قرار دهد. برقراری نظام‌های حاکمیت شرکتی در بانکداری نوین، در راستای تأمین شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان ایفای نقش می‌کند. در حال حاضر، مقوله حاکمیت شرکتی در بانکداری و حقوق بانکی به عنوان ستون و زیر بنای اقتصادی هر کشور اهمیت روز افزونی یافته است. درباره ساز و کارهای سازمانی حاکمیت شرکتی، به نظر می‌رسد در نظام بانکداری ایران، صرف نظر از مقوله هیأت مدیره و مسائل مرتبط با مدیریت اجرایی بانک همانند تقسیم مسئولیت‌ها بین مدیریت اجرایی و استقرار سامانه‌های الکترونیکی مناسب، توجه به نقش نظارتی مدیریت غیر اجرایی شامل ایجاد کمیته‌های خاص متشکل از مدیران مستقل، تشکیل کمیته حسابداری، کنترل‌های داخلی در زمینه‌های مالی و حقوقی، مدیریت ریسک و حسابرسی داخلی، بسیار ناچیز و ضعیف است و به نقش نظارتی اخلاق سازمانی نیز توجه بایسته‌ای نمی‌شود. بخش عظیمی از مقرره‌های حاکمیت شرکتی بانکی، به تنهایی به مقوله نظارت بر هیأت مدیره و مدیران ارشد بانک معطوف است که این امر، اهمیت توجه به بحران نمایندگی در بانک و راهکارهای کم‌رنگ کردن آن را خاطر نشان می‌سازد. همچنین یکی از مفاهیم اساسی حاکمیت شرکتی بانکی، ضرورت شفافیت اطلاعات است که در این رابطه، الزامات قانونی ضرورت افشاسازی اطلاعاتی بانک‌ها توسط بانک مرکزی به عنوان مهم‌ترین نهاد نظارت بر نظام بانکداری، نقش مهمی ایفا می‌کند و ضروری است تقویت شود. همچنین توجه به ساختار بندی صحیح نظام‌های حسابداری و حسابرسی بانکی در مقوله شفافیت اطلاعات بانک‌ها، بسیار حیاتی است. واقعیت‌ها گویای این است که حسابرسی داخلی، نقش بسیار ضعیفی در بانک‌های ایرانی داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر بانک‌های بوری نیز از خدمات حسابرسان داخلی بهره نمی‌گیرند و آن تعداد از بانک‌های پذیرفته شده در بورس که دارای واحد حسابرسی داخلی هستند نیز به خدمات حسابرسان داخلی عنایت ناچیزی دارند و جایگاه سازمانی آن‌ها موجب کاهش اثر بخشی این حسابرسان می‌شود. توجه به نقش حسابرسان داخلی، یکی از موارد بسیار با اهمیت اصلاح نظام‌های حاکمیت شرکتی در نظام بانکی است. شواهد موجود نشان می‌دهد با توجه به رقابتی



شدن بخش زیادی از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی و تلاش‌های در دست انجام برای ورود ایران به سازمان تجارت جهانی، بانک‌های ایران راهکاری جز اصلاح و بهبود نظام‌های حاکمیت شرکتی و استفاده از تمامی ساز و کارهای برون سازمانی و درون سازمانی برای ادامه حیات خود ندارند. در حال حاضر، با توجه به ابلاغیه رهبری در خصوص اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اهتمام دولت جمهوری اسلامی ایران، سازمان خصوصی سازی و سازمان بورس اوراق بهادار در رابطه با اجرای اصول خصوصی سازی بانک‌ها و واگذاری تدریجی بانک‌های دولتی و کاهش تصدی گری دولت، نظام بانکی کشور در حال گذار از شکل تمام دولتی به نیمه دولتی است و در این فرآیند حاکمیت شرکتی نقش مهمی بر عهده دارد. با عنایت به این که موفقیت در فرآیند خصوصی سازی بانک‌ها مستلزم اعتماد سرمایه گذاران به بازار پول و سرمایه است، اتخاذ راهکارهای لازم به منظور تقویت فرهنگ پاسخ-گویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در بانک‌های مشمول واگذاری، امری گریز ناپذیر است. در این راستا، یکی از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین ساز و کارها، تدوین قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی مناسب بانکی است که نقشی اساسی در موفقیت این روند و در نهایت رشد اقتصادی کشور دارد در این بین، تجربیات سایر کشورهای در حال گذار مؤید اهمیت مقوله حاکمیت شرکتی بانکی در فرآیند خصوصی سازی است و به منظور حصول به نتایج مطلوب، می‌بایست مجموعه‌ای از قوانین و مقررات متناسب با وضعیت حقوقی، اقتصادی و ساختار مالکیت مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های ایرانی تدوین شود. همچنین می‌بایست به منظور ارتقای اعتماد سرمایه‌گذاران علاوه بر تدوین و استقرار مقررات حاکمیت شرکتی، واگذاری بانک-های مشمول واگذاری، پس از شفافیت حساب‌ها و انتشار کامل اطلاعات آن‌ها صورت گیرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم و بعد

- ۱) آقا نظری، حسن، ۱۳۹۰، «مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی»، تهران، نشر مشترک سازمان سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲) ابطحی، سیدحسین، ۱۳۸۸، «مدیریت منابع انسانی»، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۳) اسکینی، ربیعا، ۱۳۹۰، «حقوق تجارت، جلد دوم (شرکت‌های تجاری)»، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۴) اسکینی، ربیعا، ۱۳۸۹، «حقوق تجارت، جلد سوم (شرکت‌های سهامی)»، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۵) اله داد، مرتضی، مقدم، ولی، زنجانی، محمد و مدرسی، منصور، ۱۳۸۸، «بحران‌های مالی و اقتصادی و ضرورت تجدید ساختار در نظام بانکداری اسلامی کشور» تهران، نشر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه مالی بانکداری ایران.
- ۶) ال دفت، ریچارد، «مبانی تئوری و طراحی سازمان»، پارسائیان و اعرابی (مترجم)، ۱۳۹۰، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۷) افجه، علی اکبر، ۱۳۸۹، «مبانی فلسفی و تئوری‌های رهبری و رفتار سازمان»، تهران انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۸) باقری، محمود، ۱۳۹۰، «نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی سازی»، دفتر اول، تهران، چاپ دفتر مرکزی مطالعات و پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۹) بنی یعقوب، جواد، ۱۳۹۹، «فرهنگ و ازگان حقوقی، اقتصادی و اداری»، تهران انتشارات جنگل.





- ۱۰) بهمنی، محمود و غفری، مهدی، ۱۳۸۹، «اصول بانکداری»، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۱۱) جهانخانی، علی و پارسائیان، امیر، ۱۳۷۵، «فرهنگ اصطلاحات مالی»، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی ایران.
- ۱۲) جزایری، مینا، ۱۳۸۸، «پول شویی و مؤسسات مالی»، تهران، نشر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۱۳) چپرا، عمر و احمد حبیب، ۱۳۸۸، «حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی»، ترجمه حسین مبسمی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق و سازمان بورس اوراق بهادار تهران.
- ۱۴) حساس یگانه، یحیی، ۱۳۸۴، «فلسفه حسابرسی»، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۵) خرازی، مهسا، ۱۳۸۵، «اصول راهبری شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»، تهران، نشر شرکت اطلاع رسانی بورس.
- ۱۶) خرازی، حسین، ۱۳۸۸، «مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی»، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۷) دمرچیلی، محسن، حاتمی، محمد و قرائی، علی، ۱۳۹۰، «قانون تجارت در نظم حقوق کنونی»، تهران، نشر میثاق عدالت.
- ۲۰) فرجی، یوسف، ۱۳۸۲، «آشنایی با ابزارها و نهادهای پولی و مالی»، تهران انتشارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه عالی بانکداری ایران